

# **China's strategy to expand cooperation with Taliban after US withdrawal**

**Sayed Ali Monavari**

Associate Professor, Department of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran.  
(s.a.monavari@gmail.com)

**Mohsen Keshvarian Azad**

Visiting Assistant Professor, Department of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)  
(Mkeshvarian69@gmail.com)

**Mobarakeh Sedaghati**

M.A graduate in International Relations, Department of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran.  
(shabnam.sedaghati1996@gmail.com)

## **Abstract:**

Diplomatic and security dynamics in South and Central Asia and neighboring countries increased after the withdrawal of US troops from Afghanistan on August 30, 2021 and the Taliban's takeover of Kabul. China, as Afghanistan's neighbor in the past and now, has been particularly sensitive to developments in Afghanistan and has sought to influence developments in various ways. In the last two decades, the Taliban has been the focus of Beijing's foreign policy as an influential group in Afghanistan. Given China's action on the Taliban, it is necessary to clarify China's strategy towards the Taliban after the August 2021 regime. In this regard, through analytical-explanatory method, the question has been asked how China seeks to influence the equations of Afghanistan in the Taliban era and expand cooperation with this group? In response, it is assumed that the Taliban's security threats and economic requirements for China have led it to expand its strategic sphere of influence and access to a strategic partner in the South Asian regional security complex through constructive economic and security engagement

in the form of cooperation with the Taliban. Findings shows that security and economic components of the Sino-Taliban relationship were highlighted before the US withdrawal and during the current Taliban regime, with Beijing seeking "constructive intervention and becoming an effective player" in the South Asian regional security complex Through cooperation with the Taliban.

**Keywords:** China, Taliban, strategy, cooperation, security, economy, constructive engagement



# راهبرد چین جهت گسترش همکاری با طالبان پس از خروج آمریکا

سید علی منوری

دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران  
s.a.monavari@gmail.com

محسن کشوریان آزاد

نویسنده مسئول، استادیار مدعو گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران  
Mkeshvarian69@gmail.com

مبارکه صدیقی

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران  
shabnam.sedaghati1996@gmail.com

## چکیده

پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان در ۳۰ اوت ۲۰۲۱ و به دست گرفتن کنترل کابل توسط طالبان، پویایی دیپلماتیک و امنیتی در آسیای جنوبی و مرکزی و کشورهای همسایه افزایش یافت. چین به‌عنوان کشور همسایه افغانستان در گذشته و اکنون به‌صورت ویژه نسبت به تحولات افغانستان حساس بوده و از طرق مختلف درصدد اثرگذاری بر تحولات افغانستان برآمده است. در دو دهه اخیر، طالبان به‌عنوان گروه اثرگذار در تحولات افغانستان مورد توجه سیاست خارجی پکن قرار گرفته است. با توجه به کنشگری چین در رابطه با طالبان، ضرورت دارد تا راهبرد چین نسبت به طالبان پس از حاکمیت در اوت ۲۰۲۱ تبیین گردد. در این راستا، با روش تکوینی-تبیینی به این پرسش پاسخ داده شده که چین چگونه در پی اثرگذاری بر معادلات افغانستان در عصر طالبان و گسترش همکاری با این گروه است؟ در پاسخ فرض بر این است که تهدیدهای امنیتی و الزامات اقتصادی طالبان برای چین سبب شده تا این کشور از طریق تعامل سازنده در ابعاد اقتصادی و امنیتی درصدد گسترش حوزه نفوذ راهبردی خود و دسترسی به شریک راهبردی در مجموعه امنیتی منطقه‌ای آسیای جنوبی در قالب همکاری با طالبان باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌های امنیتی و اقتصادی در رابطه چین و طالبان قبل از خروج آمریکا و در دوره

حاکمیت کنونی طالبان برجسته شده و پکن به دنبال «مداخله سازنده و تبدیل شدن به بازیگر مؤثر» در مجموعه امنیتی منطقه‌ای جنوب آسیا از طریق همکاری با طالبان است.

**واژگان کلیدی:** چین، طالبان، راهبرد، همکاری، امنیت، اقتصاد، تعامل سازنده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱. مقدمه

تعامل چین با طالبان جهت دفاع از منافع (تهدیدات امنیتی و سرمایه‌گذاری اقتصادی) اولین بار در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی یعنی در دور اول حاکمیت طالبان بر افغانستان (۲۰۰۱-۱۹۹۶) آغاز شد و مشخصاً در سال ۱۹۹۹ مقامات چینی به کابل سفر و ضمن رونق روابط تجاری، پروازهای بین کابل و اورومچی<sup>۱</sup> مرکز استان «سین کیانگ»<sup>۲</sup> چین برقرار کردند و پس‌ازاین سفر رابطه چین و طالبان تقویت شد. در دو دهه اخیر و پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، پکن علاوه بر همکاری و مذاکره با دولت کابل، مذاکره با طالبان را به‌عنوان گروه موازی و اثرگذار در افغانستان در دستور کار خود قرار داد و در سال ۲۰۱۰ همکاری جدی برای برقراری رابطه بین طرفین آغاز گردید. از آن زمان تاکنون رابطه چین و طالبان و مذاکرات بین آن‌ها به‌گونه‌ای مختلف وجود داشت. درواقع، قبل از اینکه طالبان کنترل کابل را در دست بگیرد، چین شروع به تعمیق روابط دیپلماتیک با این گروه کرد و در جولای ۲۰۲۱ که پکن میزبان هیئت طالبان بود، مقامات چینی اظهار کردند که «به‌حق افغان‌ها برای تصمیم‌گیری در مورد آینده‌شان احترام می‌گذارند» به این معنی که پیروزی طالبان نشان دهنده اراده مردم است (Ian, 2021, p.2). بنابراین روابط چین و طالبان

---

<sup>۱</sup>- Urumchi

<sup>۲</sup>- Xinjiang

از اوایل دور اول حکومت طالبان بر افغانستان یعنی سال ۱۹۹۶ آغاز شد و پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ بنا همواره وجود داشته است.

با شروع فرآیند صلح و اقرار آمریکا به خروج نیروهای خود از افغانستان، مسئله طالبان به صورت جدی تری برای چین مطرح شد و پس از خروج نیروهای آمریکای کنشگری چین جنبه عملیاتی تر به خود گرفت. مرز مشترک ۸۰ کیلومتری چین با افغانستان، کانال ورود و ارتباط چین به آسیای مرکزی در قالب ابتکار «یک کمربند و یک راه»، تهدیدهای امنیتی گروه‌های تجزیه طلب و مسئله همسایگی و دیپلماسی مشارکت راهبردی چین با همسایگان موجب گردید تا مسئله افغانستان برای منافع ملی پکن اهمیت به سزا داشته باشد. از آنجایی که پکن به عنوان ابرقدرت در آسیا مطرح شده و در صدد گسترش حلقه‌ای ارتباطی و دامنه نفوذ اقتصادی و سیاسی خود با کشورهای جهان به ویژه کشورهای همسایه است، باید راهبرد آن را نسبت به افغانستان عصر طالبان مدنظر قرار داد. این مقاله روش تکوینی-تبیینی به این سؤال داده است که چین چگونه در پی اثرگذاری بر معادلات افغانستان در عصر طالبان و گسترش همکاری با این گروه است؟ در پاسخ فرض بر این است که تهدیدهای امنیتی و الزامات اقتصادی طالبان برای چین سبب شده تا این کشور از طریق تعامل سازنده در ابعاد اقتصادی و امنیتی در صدد گسترش حوزه نفوذ راهبردی خود و دسترسی به شریک راهبردی در کشور هم جوار در قالب همکاری با طالبان باشد. یافته‌ها حاکی از آن است که مؤلفه‌های امنیتی و اقتصادی در رابطه چین و طالبان قبل از خروج آمریکا و در دوره حاکمیت کنونی طالبان برجسته شده و چین به دلیل تهدیدات امنیتی طالبان و مزیت‌های اقتصادی به دنبال این است تا سازوکار برقراری رابطه با طالبان پی‌ریزی کند. دورنمایی راهبرد چین در افغانستان طالبان حکایت از جستجوی رابطه اقتصادی با دوام با این گروه برای رفع تهدیدات امنیتی دارد. مقاله ضمن تمهیدات نظری، ابتدا روند مذاکرات چین و طالبان را بررسی و سپس چگونگی راهبرد چین را در ابعاد اقتصادی و امنیتی با طالبان تبیین می‌کند.

## ۲. چارچوب نظری؛ نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای

نظریه مجموعه امنیتی در درجه اول به تعاملات امنیتی و نظامی مجموعه‌ای خاصی از کشورها می‌پردازد که در نزدیکی جغرافیایی قرار دارند و این کشورها دارای درجه بالای وابستگی متقابل امنیتی با یکدیگر هستند؛ زیرا در جغرافیای نزدیک، تهدیدات امنیتی در فاصله اندکی قرار دارند. به طور کلی، بر پایه نظر باری بوزان و

مکتب کپنهاگ<sup>۱</sup> ویژگی‌های یک مجموعه امنیتی شامل؛ نزدیکی جغرافیایی (مجاورت)، وابستگی متقابل امنیتی، الگوی دوستی و دشمنی، حضور دو قدرت منطقه‌ای مؤثر، استقلال نسبی، وجود روابط فرهنگی، قومی و نژادی و نقش عوامل اقتصادی است (Buzan & et al, 1998, p. 15). «مجاورت» به‌عنوان ملاک ارزشمند برای مجموعه امنیتی مطرح است و با توجه به اینکه تهدیدها در فاصله‌ی نزدیک شدت و نفوذ بیشتری دارند، دولت‌ها هرگونه کنش و واکنش در دولت‌های همسایه را زیر نظر دارند. در این نظریه منظور از «وابستگی متقابل امنیتی» آن است که تغییر و تحول امنیتی در هر یک از واحدهای مجموعه بر دیگر واحدها نیز اثرگذار است و وابستگی امنیتی بازیگران به هم می‌تواند جنبه سلبی و ایجابی داشته باشد. «الگوی دوستی و دشمنی»؛ یعنی طیفی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت، حفاظت و همچنین روابط سوءظن و هراس حاکم باشد، الگوی دوستی و دشمنی می‌تواند بر اساس اختلافات مرزی، تمایلات ایدئولوژیک، پیشینه روابط مثبت و منفی تاریخی و... باشد. این نظریه نقش قدرت‌های خارجی را مشخص کرده و تأکید می‌کند که «روابط دوستی و دشمنی» بین اعضای مجموعه می‌تواند در معرض قدرت و نفوذ نیروهای خارجی، به‌صراحت نفوذ قدرت‌های خارجی منطقه همسایه باشد. باین‌حال، «الگوهای درگیری ناشی از عوامل بومی منطقه است و قدرت‌های خارجی، حتی اگر به‌شدت درگیر شوند، نمی‌توانند منطقه را تعریف کنند، سازمان‌دهی نمایند یا تغییر شکل دهند» (Buzan & Waever, 2003, p. 47).

براساس نظر بوزان کشورهای منطقه در سه دسته قرار دارند: دولت‌ها با جایگاه مشخص در درون مجموعه امنیتی، دولت‌های مجزا<sup>۲</sup> که در درون مجموعه امنیتی مشخص حضور ندارند و قدرت‌های بزرگ. براین اساس، افغانستان در قالب دولت‌های مجزا قرار دارد، در نظر بوزان دولت مجزا در حوزه‌ای قرار دارد که کمک می‌کند تا دو یا چند مجموعه امنیتی منطقه‌ای از هم جدا بمانند (Buzan & Waever, 2003, p. 483-485). افغانستان از جمله کشورهای است که به‌طور مطلق وابسته به مجموعه امنیتی آسیای مرکزی و آسیای جنوبی نیست، اما در دو دهه اخیر به پویای‌های منطقه‌ی آسیای جنوبی وارد شده و به‌عنوان عضوی از آن محسوب می‌شود (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۴).

<sup>1</sup>- Copenhagen School

<sup>2</sup>- Insulating State

## ۲-۱. چین و مجموعه امنیتی منطقه‌ای آسیای جنوبی

چین در اواخر دهه ۱۹۹۰، سیاست منفعلانه خود را نسبت به مناطق تغییر داد و با توجه به مشارکت فعال در تعاملات مناطق، به عنوان کنشگری مشارکت کننده و رهبری فعال در همکاری‌های منطقه‌ای آسیا مطرح شد. به نحوی که عامل مهم شکل دهنده به رژیم‌های اقتصادی منطقه‌ای ظهور پکن بوده است (باری و عابدی، ۱۴۰۰، ص. ۸۵). در چارچوب نگرش چین نسبت به مناطق پیرامونی، مجموعه امنیت منطقه‌ای آسیای جنوبی برای آن مهم گشته است.

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای<sup>۱</sup>، مناطق مختلف از جمله مجموعه‌ی امنیتی آسیای جنوبی را براساس وابستگی متقابل امنیتی بین دولت‌های که در یک گروه جغرافیای منسجم قرار گرفته‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهد که می‌تواند توسط قدرت خارجی نفوذ کنند. شکل‌گیری مجموعه امنیتی آسیای جنوبی تحت تأثیر دو عامل؛ رقابت هند و پاکستان (درگیری کشمیر) و وابستگی کشورهای کوچک به هژمونی منطقه‌ای هند قرار دارد. این وضعیت منطقه قدرت‌های خارجی از جمله چین را برای نفوذ در منطقه دعوت می‌کند. درعین حال، پکن با وجود سیاست‌های از جمله ابتکار «یک کمربند و یک راه» و «وابستگی‌های امنیتی» به این مجموعه‌ی امنیتی وارد شده است. در واقع، «ابتکار یک کمربند و یک راه» و «وابستگی متقابل امنیتی» نگرش چین به مجموعه امنیتی جنوب آسیا را تغییر داد، به گونه‌ای که باید چین را هم به عنوان عضو داخلی و هم به عنوان قدرت خارجی این مجموعه امنیتی در نظر گرفت (Senanayake, & Harsha, 2020, p. 73). چین از طریق پروژه‌های دالان اقتصادی خود در چارچوب «یک کمربند و یک راه» از جمله «سی‌پک ۲»، «توسعه بندر گوادر»، «دالان اقتصادی چین و بنگلادش»، «دالان اقتصادی هند-میانمار»، «بندر کلمبوآ» و... به مجموعه امنیتی منطقه آسیای جنوبی منتقل شده و چین را در گروه کشورهای این منطقه قرار داد که مسئله امنیت آن‌ها را به هم نزدیک کرده است، به گونه‌ای که مسائل امنیتی چین برای این کشورها نمی‌تواند مجزا از هم در نظر گرفته شود (Macaes, 2021, p. 47).

حال چین براساس معیارهای همچون پروژه‌های اقتصادی شامل؛ سرمایه‌گذاری اقتصادی، «یک کمربند و یک راه» و «دالان اقتصادی چین و پاکستان» و «وابستگی

<sup>۱</sup>- regional security complex

<sup>۲</sup>- China-Pakistan Economic Corridor (CPEC)

<sup>۳</sup>- Colombo Port



متقابل امنیتی» به‌عنوان یک قدرت خارجی به مجموعه امنیتی آسیای جنوبی وارد شده و «الگوی دوستی و دشمنی» خود را جستجو می‌کند. «طرح‌های اقتصادی» و «وابستگی متقابل امنیتی» چین به این مجموعه امنیتی سبب گشته تا پس از خروج آمریکا از افغانستان و ظهور طالبان، پکن برای اثرگذاری بر این مجموعه امنیتی منطقه‌ای کوشا باشد و با توسعه همکاری با طالبان برای حضور مؤثر خود از هم‌پروژه‌های اقتصادی را پیش ببرد و هم‌زمینه را برای رفع تهدیدات امنیتی و برتری نظامی مهیا گرداند.

درک نظری موجود، چین را به‌عنوان عضو خارجی مجموعه امنیتی منطقه‌ی آسیای جنوبی در نظر می‌گیرد، اما به دلیل تعامل گسترده در چارچوب «یک کمربند و یک راه» با کشورهای آسیای جنوبی و تأثیر پکن بر روابط امنیتی این مجموعه باید چین را به‌عنوان یک عضو داخلی در نظر گرفت. چین به دو طریق به مجموعه امنیتی جنوب آسیا و افغانستان ارتباط دارد: ۱- به‌عنوان قدرت خارجی همسایه در نظر گرفته می‌شود که در مجموعه امنیتی منطقه حضور پیدا می‌کند، ۲- با اتصال از طریق ابتکار «یک کمربند و یک راه»، «سی‌پک» و «توسعه بندرها» و... خود را به‌عنوان بازیگر داخلی با پیوند مجموعه امنیتی مطرح کرده است.

بنابراین چین به‌عنوان یکی از اعضای اصلی این مجموعه به دنبال این است تا در قالب این مجموعه رفتارهای اقتصادی و امنیتی خود را پیاده کند. در این مقاله سه عنصر اصلی اساسی در نگاه نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای به کار گرفته است: عوامل اقتصادی، وابستگی امنیتی و الگوی دوستی و دشمنی. نقش پیوند اقتصادی با طالبان در مجموعه امنیتی منطقه آسیای جنوبی برای پکن و وابستگی چین به مسائل امنیتی افغانستان با روی کار آمدن طالبان به‌عنوان دو عامل کلیدی است که پکن را برای شکل‌دهی، سازمان‌دهی و همکاری عمیق‌تر «الگوی دوستی» با طالبان پس از خروج آمریکا تشویق می‌کند. در واقع زمینه‌های «الگوی دوستی و دشمنی» پکن با مجموعه امنیتی منطقه‌ای آسیای جنوبی مسائل اقتصادی و امنیتی است که منجر شده تا پکن الگوی دوستی با طالبان را پیاده کند.

### ۳. روند مذاکرات چین و طالبان

مذاکرات بین طرفین از ۱۹۹۹ آغاز گردید، طرفین در سال ۱۹۹۹ توافقنامه همکاری در زمینه پروازهای هوایی و رونق تجاری را امضا کردند. پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، چین با طالبان تفاهم‌نامه همکاری اقتصادی در سال ۲۰۰۲،

امضا کرد، در همان سال سفیر چین در اسلام‌آباد به کمک پاکستان به قندهار سفر کرد و با ملا عمر رهبر وقت طالبان دیدار کرد. پس از سال ۲۰۱۰ و به‌ویژه از ۲۰۱۴، زمانی که چین فهمید آمریکا قادر به شکست طالبان نیست، تلاش برای رابطه با طالبان را افزایش داد. بین سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸، پکن با مولانا سمیع الحق<sup>۱</sup> عالم مذهبی و سناتور پاکستانی که به‌عنوان پدر معنوی طالبان شناخته می‌شود، ارتباط برقرار کرد و چندین جلسه غیررسمی بین آن‌ها برگزار شد. در سال ۲۰۱۵، چین میزبان مذاکرات محرمانه بین نمایندگان طالبان و دولت افغانستان در ارومچی، مرکز خودمختار سین کیانگ اویغور بود. در جولای ۲۰۱۶، یک گروه طالبان - به رهبری شیرمحمد عباس استانکزی، نماینده ارشد این گروه در قطر - از پکن دیدار کرد. گفته می‌شود در این سفر نمایندگان طالبان از چین جهت حمایت از موضع‌گیری‌های خود در سیاست داخلی افغانستان درخواست حمایت کردند (Sun, 2021, P. 1).

در سال‌های اخیر گفتگوی دوجانبه، اغلب پنهانی بین چین و طالبان صورت گرفته است. در سپتامبر ۲۰۱۹، هیئتی از طالبان به رهبری ملا عبدالغنی برادر<sup>۲</sup> رئیس دفتر سیاسی طالبان در قطر با دین شیجون<sup>۳</sup> نماینده ویژه چین در امور افغانستان دیدار کرد. همچنین، هنگامی که در سپتامبر ۲۰۱۹، دونالد ترامپ گفتگو با طالبان را لغو کرد، چین در کنفرانس دو روزه مقامات طالبان را به چین دعوت کرد (Kaura, 2020, P. 2-3). به گفته ریاست امنیت ملی افغانستان، چین با شبکه حقانی مرتبط با طالبان در افغانستان در ارتباط است و افراد وابسته به حزب کمونیست چین و سفارت این کشور با شبکه حقانی در دسامبر ۲۰۲۰ دیدار کرده‌اند (Mehrdadm, 2021, p.2).

در ۳ ژوئن ۲۰۲۱، وزیر خارجه چین، وانگ یی در چهارمین گفتگوی وزرای خارجه چین، افغانستان و پاکستان در گویانگ<sup>۴</sup>، پنج اصل را در رابطه با صلح افغانستان پیشنهاد داد که یکی از آن‌ها، بازگشت طالبان به جریان اصلی سیاسی در افغانستان بود (Yi, 2021). چین از طریق پاکستان همواره سعی بر برقراری رابطه با طالبان داشته و پاکستان به‌عنوان رابط بین آن‌ها عمل کرده است. بنابراین، مذاکرات

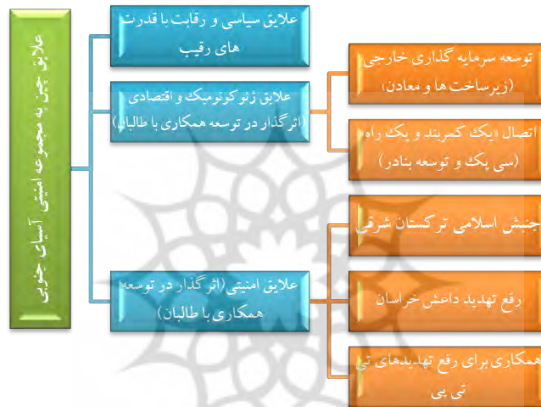
---

1- Maulana Sami ul Haq  
 2- Mullah Abdul Ghani Baradar  
 3- Deng Xijun  
 4- Guiyang

چین از سال ۱۹۹۹ با طالبان علی‌رغم عدم رضایت دولت افغانستان ادامه‌دار بود و در کنار نقش دولت، طالبان همواره از محورهای توجه چین در افغانستان بوده است.

#### ۴. راهبرد چین نسبت به افغانستان عصر طالبان

چین به دنبال تعامل سازنده با طالبان و تقویت رابطه گام‌به‌گام برای رسیدن به مشارکت راهبردی با این گروه است و «مداخله سازنده» همراه با «توسعه و همگرایی اقتصادی» و «مداخله برای رفع تهدیدات امنیتی» را در پیش گرفته است. در واقع راهبرد و دیپلماسی پکن از حالت «کنشگری منفعل» یا «صبر و انتظار» به «کنشگری فعال» با «مداخله مؤثر» تبدیل شده است. در زیر ابعاد و نحوه راهبرد چین برای توسعه همکاری با طالبان بررسی شده است.



شکل (۱): ابعاد همکاری چین و طالبان در مجموعه امنیتی آسیای جنوبی

#### ۴-۱. ژئواکونومیک: زمینه همکاری چین و طالبان در مجموعه امنیتی آسیای

##### جنوبی

با روی کار آمدن طالبان در افغانستان «درهای ژئواکونومیک» برای پکن باز شد. از نظر بوزان عوامل اقتصادی علاوه بر تعیین قدرت‌ها و ثبات در داخل مجموعه امنیتی می‌توانند بر انگیزه الگوهای خارجی در مجموعه امنیتی نیز مؤثر باشد (مثل انگیزه آمریکا برای حضور در کشورهای تولید کننده نفت در خلیج فارس) و بر چشم‌انداز همگرایی و همکاری منطقه اثرگذار باشد (Buzan, 2008, p.228-229). در اینجا انگیزه اقتصادی چین در مجموعه امنیتی به‌ویژه در رابطه با طالبان اثرگذار است. حضور طالبان سبب گشته تا پکن تلاش‌هایی را برای ایجاد نفوذ اقتصادی در مجموعه امنیتی آسیای جنوبی با استفاده از پروژه‌های زیرساختی و عظیم به موازات

پروژه‌های اصلی «یک کمربند و یک راه» به عنوان ابزاری برای مفهوم‌سازی مجدد در روابط خود با دولت حاکم افغانستان (طالبان) استفاده کند.

#### ۱-۴. توسعه سرمایه‌گذاری و منافع درهم‌تنیده چین و طالبان

افغانستان از نظر منابع طبیعی غنی است و شرکت‌های چینی از گذشته تاکنون بر روی سرمایه‌گذاری در بخش مربوط به منابع طبیعی و زیرساخت‌ها برنامه داشته‌اند. چینی‌ها تاکنون در معدن مس در ایالت لوگر<sup>۱</sup> ساخت جاده در مناطق شمالی و استخراج نفت در شمال برنامه داشته‌اند. در می ۲۰۰۸، گروه متالوژی چین و شرکت «جیانگ‌ژی»<sup>۲</sup> برای ۳۰ سال استخراج منابع مس عینک افغانستان را به ارزش ۳.۴ میلیارد دلار توافق کردند. همچنین، چین پس از سال ۲۰۱۴، ۴.۴ میلیارد دلار از طریق شرکت دولتی استخراج معادن و فلزات چینی مس «جیانگ‌ژی» در معدن مس «عینک»<sup>۳</sup> افغانستان سرمایه‌گذاری کرد. براساس نظر زمین‌شناسان آمریکایی ارزش معادن افغانستان ۱ تریلیون دلار و براساس نظر وزارت معدن و پترولیوم افغانستان ۳ تریلیون دلار است (Ghosh, 2021, p.1). پکن در سال ۲۰۱۱، قرارداد اکتشاف نفت با افغانستان را امضا کرد و شرکت ملی نفت چین و شریک افغان آن «شرکت نفت و گاز وطن»<sup>۴</sup> سه منطقه‌ی نفتی در استان‌های سرپل و فاریاب کشف کردند. این سرمایه‌گذاری چین چندان پیشرفت نداشته است و پکن برای عملیاتی کردن آن‌ها پس از خروج نیروهای آمریکا به همکاری با طالبان نیاز دارد. تحت حاکمیت طالبان، چین با پروژه معدن مس عینک با ارزش ۳ میلیارد دلار، پروژه‌های اکتشاف نفت و گاز و پروژه‌های زیربنایی، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در افغانستان تبدیل می‌شود. پیشرفت در این پروژه‌ها از قبل متوقف شد؛ اما می‌تواند با بهبود وضعیت امنیتی و حمایت طالبان تسریع گردد.

در سال ۲۰۱۶، طالبان به پکن برای استخراج معدن مس عینک چراغ سبز نشان داد و به مقامات چینی اطمینان داد «که به حفاظت از پروژه‌های ملی که به نفع اسلام و کشور است» متعهد است. در صورت تضمین طالبان برای محافظت از طرح‌های اقتصادی چین، این کشور مشتاق خواهد بود تا با اجرای ابتکار «یک کمربند و یک راه» هم طالبان را به رسمیت بشناسد و هم با اتصال دالان واخان زمینه

1- Logar Province

2- Jiangxi Copper

3- Mes Aynak

4- Watan Oil & Gas

را برای دسترسی به منابع طبیعی افغانستان مهیا کند (Cheraghlu, & Graham, 2020, p. 2-4). پکن به پروژه‌هایی همانند اکتشافات باستان‌شناسی و سرمایه‌گذاری در معادن که در دولت پیشین به دلیل مسائل اجتماعی و امنیتی با مانع روبه‌رو شده بود، در عصر طالبان به‌عنوان آینده روشن می‌نگرد. طالبان در سال ۲۰۱۶، از کارگران چینی معدن مس عینک حمایت کرد. طالبان پس از تسلط بر افغانستان آمادگی خود را برای حمایت از چنین پروژه‌هایی از سوی پکن اعلام کرده است. پکن همچنین به دنبال این است تا از یک پروژه نفتی بزرگ در آمودریا در شمال افغانستان، مزایای طولانی‌مدت را به دست آورد (Grossman, 2021, P. 3).

در اولین گفتگوی بین وانگی وزیر خارجه چین و عبدالغنی برادر معاون نخست‌وزیر طالبان پس از تسلط بر کابل در ۲۵ اکتبر ۲۰۲۱، چین آمادگی خود را برای «بازسازی افغانستان» نشان داد، امیرخان متقی وزیر خارجه طالبان در دیدار با سفیر چین در افغانستان، خواستار تقویت روابط سیاسی و تجاری شد (Bloomberg, 2021). در این دیدار مقرر شد، سه کمیته برای تقویت روابط دیپلماتیک، همکاری دوجانبه و پروژه‌های چین در افغانستان تشکیل شود. به گفته «کمیته توسعه اقتصادی و بازرگانی عربی-چینی» نمایندگان پنج شرکت چینی هم‌اکنون در افغانستان حضور دارند و نزدیک به ۲۰ شرکت دولتی و خصوصی چین تحقیقات را راجع به سرمایه‌گذاری پروژه‌های لیتیوم افغانستان آغاز کرده‌اند. پس از روی کار آمدن طالبان، چین بسته کمکی ۳۱ میلیون دلاری به افغانستان اختصاص داده و بالغ بر هزار تن موارد غذایی و چندین تن کمک بشردوستانه به افغانستان ارسال کرده و به طالبان اجازه صادرات «چلغوزه» به چین داد (Weitz, 2021, P. 3).

برجستگی عنصر اقتصادی که دال متعال سیاست خارجی چین است در رابطه با طالبان نمود عینی پیدا کرده و در آینده چین از ابزار اقتصادی در افغانستان و گروه طالبان به‌صورت ویژه استفاده خواهد کرد. چین در سال ۲۰۲۰ به طالبان پیشنهاد داد در صورتی که پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان صلح و امنیت را در این کشور برقرار کند، پکن سرمایه‌گذاری عظیمی در افغانستان خواهد کرد. در مذاکرات بین طرفین بر روی سرمایه‌گذاری اقتصادی تأکید شد و مواردی همچون ساخت جاده و بزرگراه با اتصال شهرهای افغانستان به هم، سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، زیرساخت‌ها، ساخت نیروگاه‌ها و انتقال نفت و گاز از کشورهای آسیای میانه نیز از سوی چینی‌ها به طالبان پیشنهاد شد. گروه طالبان برای انجام سرمایه‌گذاری در عصر خروج آمریکا و پسا صلح سرمایه‌گذاری کرده‌اند و برای سرمایه‌گذاری بر روی

پروژه‌های زیربنایی با چین وارد مذاکره شده‌اند. تمرکز طالبان برای سرمایه‌گذاری بر روی معادن غنی افغانستان است، امری که بسیار مطابق میل چینی‌ها است (Calabrese, 2021, p. 4).

باید در نظر داشت که چینی‌ها با رابطه با طالبان در صدد هستند تا زمینه‌ای فراهم کنند که طالبان سرمایه‌گذاری اقتصادی چین در افغانستان را مورد حمله قرار ندهند. از سال ۲۰۱۰ تاکنون طالبان حمله‌ای علیه سرمایه‌گذاری چین در افغانستان انجام نداده‌اند. طالبان به شدت برای رسمیت شناختن خود به چین نیاز دارند و از طرح‌های اقتصادی چین به‌ویژه در بخش معادن، ریلی و بزرگراه‌ها حمایت می‌کند. چین با سرمایه‌گذاری در افغانستان در پی آن است تا شبکه‌ی اقتصادی با طالبان ایجاد کند و در آینده تهدیدهای امنیتی را برطرف گرداند. علاوه بر این، پکن از طریق سرمایه‌گذاری در افغانستان عصر طالبان به دنبال برتری سیاسی خود در مجموعه امنیتی آسیای جنوبی است.

#### ۲-۱-۴. «یک کمربند و یک راه» نیاز چین به موقعیت طالبان در افغانستان

چین پس از کاهش نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۱۴ و در قالب ابتکار یک کمربند و یک راه تلاش کرد تا سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در اقتصاد افغانستان انجام دهد. چین در قالب توافق یک کمربند و یک راه در سال ۲۰۱۶ با افغانستان متعهد شد که ۱۰۰ میلیون دلار در پروژه‌های این کشور سرمایه‌گذاری کند. برخی گام‌های مهم در راستای گسترش یک کمربند و یک راه در افغانستان، شامل اولین اتصال باربری ریلی بین افغانستان و چین در سال ۲۰۱۶، تبدیل افغانستان به بخشی از بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا در سال ۲۰۱۷ و بزرگراه در حال ساخت دالان واخان<sup>۲</sup> برداشته شد. در آوریل ۲۰۲۱، وزارت حمل‌ونقل افغانستان اعلام کرد کار احداث جاده چین و افغانستان در منطقه «پامیر»<sup>۳</sup> به طول ۵۰ کیلومتر آغاز شده است (future directions international, 2021).

چین تلاش‌هایی برای عملیاتی شدن این پروژه به‌ویژه از لحاظ حقوقی و سیاسی در سطح سازمان ملل انجام داد و برای کسب مشروعیت بین‌المللی برای فعالیت‌های یک کمربند یک راه، در مورد مأموریت کمک سازمان ملل به افغانستان، در سال ۲۰۱۶ طبق قطعنامه ۲۲۷۴، خواستار تقویت تجارت و ترانزیت از طریق طرح‌های

<sup>۱</sup>- Asian Infrastructure Investment Bank

<sup>۲</sup>- Wakhan Corridor

<sup>۳</sup>- Pamir

توسعه منطقه‌ای شد. در قطعنامه ۲۳۴۴ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۱۷، چین دوباره خواستار اجماع بین‌المللی در مورد کمک به افغانستان و تقویت همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای از طریق اتصالات ابتکار یک کمربند یک‌راه شد (Kuara, 2021, p. 7). طالبان از توسعه «یک کمربند و یک‌راه» استقبال کرده و سهیل شاهین سخنگوی طالبان اظهار داشت که «چین ظرفیت اقتصادی عظیمی دارد و می‌تواند نقش بزرگی در بازسازی افغانستان ایجاد کنند و طالبان از چین برای بازسازی پروژه‌های جاری استقبال می‌کند». همچنین چین اعلام کرد که همکاری با افغانستان در زمینه پروژه «یک کمربند و یک‌راه» مزایای ملموسی دارد و افغانستان تحت حاکمیت طالبان، محیط مناسبی را برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌کند. وانگ ونبین<sup>۱</sup> سخنگوی وزارت خارجه چین اعلام کرد که افغانستان معتقد است که پروژه چین برای توسعه و رفاه سرزمین افغان و منطقه مفید است و باید همکاری در این حوزه با طالبان تقویت گردد. افغانستان می‌تواند به‌عنوان یک حلقه مهم در رسیدن به بازارهای بزرگ عمل کند. در ابتدا، به دلیل شرایط جنگی، افغانستان از ابتکار کمربند یک‌راه چین کنار گذاشته شد. باین‌حال، اخیراً چین به دلیل نقش محوری که در اتصال بازارهای چین به آسیا، اروپا و شرق آفریقا دارد، علاقه بیشتری به مشارکت در افغانستان داشته است. افغانستان بین آسیای مرکزی و جنوبی، چین و خاورمیانه است و دسترسی آسان به دریای عرب را فراهم می‌کند. افغانستان می‌تواند به نقطه کانونی مگا پروژه چین بدل شود و زمینه اتصال آسیای مرکزی، و جنوبی و غرب آسیا باشد و در این راستا، همکاری با طالبان اهمیت پیدا می‌کند (Elapta, 202). حال خروج آمریکا از افغانستان به پکن فرصت راهبردی داده است. طالبان هم‌اکنون بر شهرستان واخان تسلط دارد و دالان واخان تقاطع پروژه جدید یک کمربند و یک‌راه با دالان اقتصادی چین-پاکستان است و اهمیت ویژه‌ای برای دولت چین برخوردار است. بندر گوادر نقطه آغازین این گذرگاه است و دالان واخان نقطه ورودی این پروژه به کشور چین خواهد بود. بنابراین جهت محافظت از این گذرگاه اقتصادی چین نیاز به همکاری و مذاکره با طالبان دارد. گزارش آندیشکده «شورای آتلانتیک» در ۱۸ ژوئن ۲۰۲۱، تحت عنوان «چگونه روسیه، چین، و ایران آینده افغانستان را شکل خواهند داد» به دستاوردهای اقتصادی چین در آینده افغانستان اشاره می‌کند که چگونه افغانستان می‌تواند به رابطه منطقه‌ای ابتکار یک

<sup>۱</sup>- Wang wnenbin

کمربند و یک‌راه و دالان اقتصادی چین-پاکستان تبدیل شود. چین برای استخراج منابع معدنی افغانستان نیازمند زیرساخت‌های امنیتی و ترابری است (Sakhi, 2021, p.2-3). در صورت ثبات در افغانستان چین می‌تواند به جنوب و آسیای مرکزی متصل شود و در مجموعه امنیتی منطقه بیشتر نقش‌آفرینی کند. چین با توسعه «یک کمربند و یک‌راه» به افغانستان طالبان در پی تبدیل شدن به جایگزینی برای آمریکا و هند در مجموعه امنیتی آسیای جنوبی است.

### ۳-۱-۴. «سی‌پک» و درهم‌تنیدگی منافع طرفین

براساس «طرح بلندمدت دالان اقتصادی چین و پاکستان» (سی‌پک)<sup>۱</sup> هدف طرح در بعد بین‌المللی و منطقه‌ای ایجاد یک شبکه جدید بین‌المللی لجستیکی و ایجاد طرح‌های صنعتی بر مبنای زیرساخت‌های اصلی حمل‌ونقل؛ ارتقا جایگاه کشورهای آسیای جنوبی و آسیای مرکزی در اقتصاد جهانی، ادغام اقتصاد منطقه‌ای از طریق رشد تجارت پایدار و همکاری اقتصادی و فناوری و تبادل کارکنان در ابعاد بین‌المللی معرفی شده است. این کریدور اقتصادی با بیشترین تأثیر بر روی استان سین کیانگ است (گوهری مقدم و انصاری زاده، ۱۴۰۰، ص. ۲۱۵). که با حضور طالبان در افغانستان بر اهمیت آن افزوده شده است.

در چشم‌انداز طرح معرفی شده که در قانون اساسی چین آمده اتصال به آسیای مرکزی و آسیای جنوبی عنوان شده است و در این چارچوب اقداماتی برای اتصال بندر گوادر پاکستان به افغانستان و ازبکستان انجام شده است. هم‌اکنون خطوط ریلی در چارچوب سی‌پک به افغانستان به بهره‌برداری رسیده و نخستین محموله صادراتی چین از طریق بندر گوادر در ۴ اژانویه ۲۰۲۰ وارد افغانستان شده و مقامات افغانستانی (دولت پیشین) آمادگی خود را برای اتصال به گوادر اعلام کردند. با توجه به رابطه حسنه پاکستان با طالبان، مقامات پاکستانی در حال تلاش هستند تا مزیت بندر گوادر را برای ترانزیت کالا به افغانستان در عصر طالبان افزایش دهند و نقاط ضعفی همچون هزینه بالای حمل‌ونقل، عوارض توقف را بر طرف کنند. براساس ارزیابی بانک توسعه آسیایی، پاکستان با توسعه عملیات گذرگاهی در مرز تورخم افغانستان کارآمدی بندر گوادر را افزایش و زمان توقف کالا را برای رضایت تجار افغانستان کاهش داده است، همچنین، پروژه ریلی (کراچی به پیشاور) قرار است در آینده به افغانستان متصل شود.

<sup>1</sup>- China-Pakistan Economic Corridor (CPEC)



در این راستا، چین به طالبان پیشنهاد ایجاد بزرگراه، اتصال همه شهرهای افغانستان به هم و طرح پروژه‌های انرژی برای توسعه افغانستان را داده است (The Economic Times, 2020).

سخنگوی وزارت خارجه چین، ژائو لیجیان<sup>۱</sup> اظهار کرد که «پکن در حال رایزنی از طریق کانال‌های دیپلماتیک در مورد طرح تمدید دالان اقتصادی چین-پاکستان در افغانستان» است. کشور افغانستان از طریق بندرها گوادر و کراچی کالا صادر و وارد می‌کند. بنابراین دالان اقتصادی چین-پاکستان می‌تواند به افغانستان عصر طالبان نیز تعمیم داده شود (Fazl-e-Haider, 2021, P. 1-3). دالان اقتصادی چین و پاکستان می‌تواند به قطب انرژی برای گاز آسیای مرکزی از طریق افغانستان تبدیل شود. باین حال باید توجه داشت که ارتباطات مستقیم چین و پاکستان از طریق مسیر هیمالیا دشوار است. همچنین مسیر کشمیر که یک منطقه بحث‌برانگیز است برای پاکستان و چین محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند؛ بنابراین مسیر افغانستان برای اتصال پاکستان و چین، حائز اهمیت است (Garcia, 2021, P. 13). با توجه به دامنه همکاری‌های بین چین و طالبان توسعه سی‌پک، پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و در راستای تقاضای طالبان از پکن برای بازسازی کشور امکان‌پذیر است. وزیر امور خارجه چین، وانگ‌یی در سپتامبر ۲۰۱۹، در نشستی با دولت پیشین افغانستان و پاکستان درباره این پروژه گفتگو کرد و توافق نمودند که این سه کشور باید روابط متقابل خود را افزایش داده و گسترش دالان به افغانستان را افزایش دهند. باوجود طالبان و همسویی آن با پاکستان و چین تحقق این دالان به افغانستان محتمل-تر از قبل است (Jun & daye, ۲۰۲۱, p. ۳). الحاق افغانستان در عصر طالبان به دالان اقتصادی چین-پاکستان باعث تضمین پیشرفت پروژه کمربند-راه در منطقه می‌شود. در نتیجه مشارکت چین و اولویت‌بندی پروژه‌های سی‌پک می‌تواند بر اهداف اقتصادی افغانستان و پاکستان تأثیر بگذارد، آن‌ها را همسو کرده و اهداف راهبردی را برای اهداف منطقه‌ای آینده چین تقویت کند (Elapta, 2020).

درواقع چین که برای اهداف راهبردی خود به افغانستان نیاز دارد در غیاب نیروهای آمریکایی به دنبال آن است تا پیوندی بین چین-پاکستان-افغانستان ایجاد کند و برای این کار به همکاری و همسویی طالبان نیاز دارد. بر این اساس، یکی از طرح‌های

---

<sup>1</sup>- Zhao Lijian

آینده چین برای افغانستان «همکاری چین- پاکستان- طالبان» خواهد بود. پکن برای دسترسی به این منابع و اتصال به افغانستان در تلاش است تا مسیر افغانستان به دالان پاکستان را به هم وصل کند. پروژه‌های «یک کمربند و یک راه» چین را به مجموعه امنیتی آسیای جنوبی پیوند داده و وابستگی متقابل عمیقی را با اعضای این مجموعه ایجاد می‌کند (Senanayake & Harsha, 2020, p. 77) که همکاری با طالبان در این چارچوب از این قاعده مستثنا نیست. وابستگی متقابل اقتصادی چین و طالبان در قالب برنامه‌های فوق پیوند این دو بازیگر را در مجموعه امنیتی منطقه‌ای از زاویه عوامل اقتصادی نشان می‌دهد.

#### ۲-۴. وابستگی امنیتی چین به افغانستان عصر طالبان

تحولات منطقه‌ی آسیای جنوبی علاوه بر چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی، در زمینه منافع امنیتی و سیاسی و نیز بر روی سیاست خارجی چین اثر می‌گذارند. چین علاقه زیادی به صلح، ثبات و اقتصاد مرفح در منطقه دارد. این مسائل به ثبات و امنیت منطقه سین کیانگ کمک می‌کند (بهبودی نژاد، ۱۴۰۰، ص. ۶۶). تهدیدات امنیتی از سوی گروه‌های ضد چینی در افغانستان و اثرات آن بر سین کیانگ، محرک اثرگذار بر سیاست خارجی چین در قبال افغانستان است. بعد امنیتی در روابط چین و طالبان سبب شده که پکن پس از خروج نیروهای آمریکایی مجبور به «کنترل مؤثر» رفتار طالبان باشد. در واقع مسائل امنیتی جاری در افغانستان همانند گروه‌های تروریستی، مسئله جنبش اسلامی ترکستان شرقی موجب گردید که مسائل افغانستان بر چین اثرگذار باشد و مجموعه امنیتی آسیای جنوبی را برای چین مهم جلوه دهد. در نگاه بوزان الگوهای دوستی و دشمنی بر مبنای موضوع‌های متفاوتی از جمله توزیع قدرت، هم‌سویی ایدئولوژیک، مسائل امنیتی و... تعریف می‌شوند (Buzan, 2008, p. 216). که در اینجا مسائل امنیتی به‌عنوان کلید اساسی الگوی دوستی چین با طالبان مطرح است. با توجه به «وابستگی متقابل امنیتی» چین به منطقه‌ی جنوب آسیا به‌طور کلی، و طالبان در افغانستان به‌طور اخص، این کشور براساس رقابت هند و پاکستان به مجموعه‌ی امنیتی منطقه نفوذ نمی‌کند، بلکه با حفظ وابستگی متقابل امنیتی قوی با اعضای مجموعه امنیتی (که طالبان پس از خروج آمریکا فرصت خوبی برای تقویت جایگاه خود در مجموعه امنیتی است) نقش محوری در حوزه امنیت با طالبان ایفا می‌کند و در صدد است تا مجموعه امنیتی

منطقه را پس از خروج آمریکا دوباره تعریف کند. (Senanayake & Harsha 2020, p. 77).

#### ۲-۴. جنبش اسلامی ترکستان شرقی زمینه‌ساز رابطه عمل‌گرای چین با

##### طالبان

زمانی که اواسط دهه ۱۹۹۰، طالبان قدرت را در افغانستان در دست داشت به سازمان ضد چینی «جنبش اسلامی ترکستان شرقی»<sup>۱</sup> اجازه داد که اردوگاه عملیاتی در افغانستان ایجاد کند. در سال ۲۰۰۱ نشریه فارن پالیسی نوشت که جنگجویان اویغور از منطقه شینجن چین با همکاری طالبان علیه نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان می‌جنگند. چین نگران حضور این جنبش در شرق افغانستان و دایر شدن کارزار آموزشی برای نیروهای اویغور است. جنبشی که تاکنون ۱۵ بار عملیات تروریستی در خاک چین انجام داده است. پکن عصر حاکمیت طالبان برای مقابله با شکل‌گیری چنین جنبش ضد چینی و تأمین امنیت مرز غربی خود در پی رابطه با طالبان برآمده است، به‌گونه‌ای که حاضر است برای تأمین امنیت در افغانستان نیروی نظامی پیاده کند (Felbab-Brown, 2020, p. 3). در جلسه جولای ۲۰۲۱ بین وانگ‌یی و مقامات طالبان، طالبان متعهد شدند که از اویغورها حمایت نکنند و هیچ نیروی از سرزمین افغانستان برای فعالیت علیه پکن استفاده نکند. سهیل شاهین، سخنگوی طالبان در جولای ۲۰۲۱، تأکید کرد که «طالبان به ظلم و ستم به مردم مسلمان فلسطین، میانمار، چین و هر جای دیگر حساس است، اما عدم دخالت در امور داخلی و عدم تهدید امنیتی برای چین را تضمین می‌کند». ولنگ‌یی در دیدار با نماینده طالبان، جنبش اسلامی ترکستان شرقی را تهدید مستقیم علیه امنیت و تمامیت ارضی چین دانست (Grossman, 2021, p. 2).

در گذشته برقراری رابطه پکن با طالبان جواب داد و طالبان به چین این تضمین را داد که به مسلمانان اویغور پناه ندهد. با این وجود مسلمانان اویغور به فعالیت خود در افغانستان به‌ویژه در ایالت بدخشان ادامه دادند. پکن اکنون در پی آن است که اجازه چنین فعالیت محدودی را نیز به جنبش اسلامی ترکستان شرقی ندهد. دولت چین به‌شدت نگران حضور جنگجویان اویغور در استان بدخشان و گسترش دامنه فعالیت آن‌ها خواهد بود و تبعات امنیتی آن حضور چین در مسائل کنونی افغانستان و کنترل رفتار طالبان را اجتناب‌ناپذیر می‌کند؛ چراکه، بدترین سناریو در آینده

<sup>1</sup> - ETIM or East Turkestan Independence Movement

افغانستان برای چین این است که این کشور به مکانی جدید برای افراطی‌گرایان سین‌کیانگ تبدیل شود. حذف جنبش اسلامی ترکستان شرقی به‌عنوان پیشران اصلی حضور چین در افغانستان است و در آینده برای رفع تهدید اویغورها، چین برای حضور در افغانستان و همچنین برقراری رابطه با طالبان مصمم‌تر خواهد بود. در واقع در عصر طالبان پیامدهای امنیتی منفی احتمالی در آسیای میانه و استان سین‌کیانگ متوجه چین خواهد شد و این امر باعث حضور فعال چین در مجموعه امنیتی آسیای جنوبی شده است.

#### ۲-۲-۴. تهدید مشترک چین و طالبان از داعش خراسان

چین و طالبان درصدد همکاری برای مقابله با تهدیدهای داعش به‌صورت کلی و داعش خراسان به‌صورت اخص هستند. دولت اسلامی عراق و شام ولایت خراسان<sup>۱</sup> که در سال ۲۰۱۵، اعلام موجودیت کرد، مخالف طالبان است و معتقد هستند که طالبان با چین علیه مسلمانان اویغور متعهد شده است. پس از دیدار مقامات چین و طالبان در اکتبر ۲۰۲۱، هواداران داعش این تماس را تحقیر و طالبان را فاحشه‌های چین خطاب کردند. آن‌ها دیدار امیرخان متقی سرپرست وزارت خارجه طالبان و ولنگ‌یی وزیر خارجه چین را خیانت طالبان به مسلمانان چین (اویغورها) قلمداد نموده‌اند (Webber, 2021).

به گفته سخنگوی داعش، طالبان متعهد شده که به درخواست چین اویغورها را اخراج و بیرون کند. به نظر می‌رسد، طالبان به چین تضمین داده است که با مسلمانان اویغور همکاری نمی‌کند و این باعث واکنش داعش شده است. در این رابطه، پکن درصدد است تا با دیپلماسی با طالبان زمینه را برای حذف و سازمان‌دهی این جنبش در افغانستان فراهم آورد و برای اینکه این جنبش تکثیر نشود و از مسلمانان اویغور حمایت نکند، تنها راه‌حل برای چین هم‌اکنون کنترل و برقراری رابطه با طالبان است. به همین دلیل و برای کنترل جنبش‌های ضد چینی در پی متقاعد کردن طالبان با وعده‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری است (Hass, 2021, P.2).

3. داعش خراسان در حال برنامه‌ریزی برای همکاری با اویغورها است و این به‌عنوان تهدید مشترکی برای چین و طالبان است، اویغورها ضد چین و داعش خراسان ضد طالبان است. در چنین وضعیتی این گروه‌ها می‌توانند به داعش خراسان ملحق شده و به طالبان و چین فشار آورند.

<sup>1</sup> - ISIS-K

### ۳-۲-۴. همکاری چین با طالبان جهت رفع تهدید تی‌تی‌پی

در چند سال اخیر، گروه «تحریک طالبان پاکستان» (طالبان پاکستانی یا تی‌تی‌پی)<sup>۱</sup> نیروهای امنیتی پاکستان، اتباع چینی و پروژه‌های چینی که از طریق دالان اقتصادی چین-پاکستان در پاکستان در حال انجام است را مورد حمله قرار داده‌اند و یک خطر برای طرح‌های توسعه بزرگ چین در سراسر منطقه افغانستان-پاکستان<sup>۲</sup> است. بر اساس بیست و هشتمین گزارش تیم نظارت بر تحریم‌ها و پشتیبانی تحلیلی سازمان ملل در افغانستان، تی‌تی‌پی دارای ۶ هزار جنگجوی آموزش دیده، عمدتاً در ولسوالی‌های شرقی استان ننگرهار، نزدیک مرز با پاکستان است. گزارش سازمان ملل هشدار داد که اتحاد مجدد در افغانستان بین تی‌تی‌پی و برخی از گروه‌های منشعب شده در بازه دسامبر ۲۰۱۹ تا اوت ۲۰۲۰ به وجود آمده است (Gupta, 2021, P. 3).

در ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۰، ۱۳ نفر از جمله ۹ تبعه چینی و چهار پاکستانی در نتیجه انفجار اتوبوس در محل پروژه برق آبی با بودجه چین در استان خیبرپختونخوا<sup>۳</sup> در شمال غربی پاکستان کشته شدند. تحقیقات انجام شده توسط مقامات چینی و پاکستانی نشان می‌دهد که تی‌تی‌پی و جدایی‌طلبان اویغور در این بمب‌گذاری دست داشته‌اند. هم پاکستان و هم چین از طالبان خواسته‌اند که روابط خود با تی‌تی‌پی را قطع کنند. طالبان افغانستان تی‌تی‌پی را نه به‌عنوان مسئله خود، بلکه به‌عنوان مشکلی برای پاکستان می‌بینند که باید به آن رسیدگی کند. کابل از اسلام‌آباد می‌خواهد که با این گروه که هزاران پاکستانی را در صدها حمله مرگبار کشته است، به یک توافق سیاسی دست یابد (Fazl-e-Haider' 2021, P.3). چین و پاکستان به دنبال همکاری با طالبان برای قطع همکاری با تی‌تی‌پی و رفع تهدیدات امنیتی از سوی گروه هستند. چین از طالبان می‌خواهد که تضمین کند که این گروه علیه پروژه‌های زیرساختی چین و پاکستان دیگر عملیاتی انجام نمی‌دهد.

### ۴-۲-۴. تلاش چین برای احداث پایگاه نظامی در مرز افغانستان

چین تاکنون به‌صورت مستقیم حضور نظامی در افغانستان نداشته است. با عین حال در چند سال گذشته تلاش کرد تا با افغانستان رابطه نظامی برقرار کند. به‌عنوان مثال در مارس ۲۰۱۶ پکن ۷۰ میلیون دلار (در مقایسه با حمایت ۴ میلیارد

<sup>1</sup> The Tehereek-e-Taliban Pakistan ( TTP)

<sup>2</sup> Af-Pak

<sup>3</sup> Khyber Pakhtunkhwa

دلاری آمریکا سالانه) برای مقابله با تروریسم در زمینه تجهیزات و تمرین نظامی به افغانستان کمک کرد. همچنین چین تلاش کرد تا حضور نظامی خود را با استقرار در دالان واخان<sup>۱</sup> ایالت بدخشان که مرز چین است، گسترش دهد. اگرچه زنجیر لنگر کرد، اما مقامات افغان تلاش چین برای ایجاد پایگاه نظامی در این منطقه را تأیید کرده‌اند. در عوض، برخی از نیروهای چینی در اطراف مرز واخان در تاجیکستان مستقر شده‌اند (Shin, 2019, P. 1). چین و تاجیکستان پس از روی کار آمدن طالبان قرارداد تأسیس پایگاه نظامی در استان خودمختار گورنو-بدخشان تاجیکستان امضا کرده‌اند که در مجاورت افغانستان و پاکستان است. چین، قبل از این در تعمیر و همکاری ۳۰ تا ۴۰ پاسگاه مرزی با تاجیکستان همکاری داشته است (Standish, 2021, P. 4-6).

چین در چند سال گذشته، یک تیپ کوهستانی افغان<sup>۲</sup> را در نزدیکی مرز آموزش می‌دهد و یک پایگاه نظامی در تاجیکستان نزدیک به محل تلاقی مرزهای سه کشور دارد. همچنین پکن در چند سال اخیر، شروع به جلب رضایت مقامات محلی در بدخشان کرد. پکن وسیله نقلیه زمینی و تجهیزات نظامی را به مقامات محلی و حاکمان ایالتی در بدخشان تحویل داده است. از این رو، پکن به شدت به دنبال تقویت حضور نظامی خود در مرز با افغانستان و تاجیکستان است و بر روی همکاری با طالبان در این حوزه برنامه دارد. چنانچه میلر (2017) معتقد است که چین با همکاری کشورهای آسیای جنوبی به دنبال این است تا نیازهای امنیتی و اقتصادی خود را در قرن بیست و یکم تأمین کند.

#### ۴-۲-۵. ابتکار و معماری امنیتی برای آسیای جنوبی

«مرکز مطالعات راهبردی بیگن-سادات»<sup>۳</sup> در گزارشی تحت عنوان «مفهوم جدید امنیتی چین برای افغانستان» در ۲۰ ژوئن ۲۰۲۱، بر آن است که پکن ممکن است درباره نحوه مدیریت مسئله افغانستان از خود ابتکار نشان دهد و گروهی متشکل از چهار کشور که هم منافع امنیتی و اقتصادی مشترک و هم بیزار از نظم جهانی تحت رهبری آمریکا هستند، تشکیل دهد. این گزارش بر آن است که خروج آمریکا باعث گسترش فضای مانور نظامی و امنیتی چین در افغانستان و آسیای مرکزی خواهد شد و یک نظم جهانی جایگزین ترویج خواهد شد و حضور نظامی آمریکا در منطقه و

1- Wakhan Corridor

2- Afghan mountain brigade

3- Begin-Sadat Center for Strategic Studies

غرب آسیا کاهش پیدا می‌کند (Avdaliani, 2021, p. 3-12). در این راستا امکان‌سنجی ابتکار و معماری حضور پکن در آینده افغانستان در سه بعد قابل ارزیابی است، در واقع گزینه سیاست خارجی چین در آینده امنیتی افغانستان به سه صورت عملیاتی خواهد شد:

- حضور نظامی در شمال افغانستان برای مبارزه با عملیات صلح‌بانی و مبارزه با هسته‌های تروریستی و افراط‌گرایی؛ همکاری با کشورهای منطقه از جمله روسیه، ایران و پاکستان می‌تواند پکن را در رسیدن به این هدف کمک کند.
- ایجاد چتر امنیتی کارآمدتر با همکاری کشورهای منطقه (ایران، روسیه، پاکستان دارای منافع مشترک در افغانستان و علیه آمریکا و نظم لیبرال فعلی هستند).

- افزایش نقش فعال سازمان همکاری شانگهای در افغانستان

بنابراین ابتکار و معماری امنیتی بسیار برای چین اهمیت دارد و حضور چین با همکاری چهار کشور (ایران، روسیه، پاکستان) و توازن در منافع آن‌ها خواهد بود. از نظر راهبردی، دستیابی چین به طالبان ارتباط زیادی با ظهور این کشور به‌عنوان یک قدرت جهانی - برخلاف وضعیت ژئوپلیتیکی آن در ۱۹۹۶ و حکومت اولیه طالبان - دارد. امروز چین با ارزش ۱۴.۷ تریلیون دلار فرماندهی اقتصادی می‌کند و خود را به‌عنوان یک قدرت جهانی می‌بیند. شکست پروژه ملت‌سازی ۸۴۰ میلیارد دلاری واشنگتن در افغانستان، جهان را به زیر سؤال بردن نقش جهانی آمریکا به‌عنوان هژمون جهانی سوق داده است. خروج رقیب چین از این تلاش ناموفق، فرصتی برای پکن ایجاد کرد که نقش رهبری منطقه‌ای را بر عهده گیرد (Attanayake & Haiqi, 2021, p. 3). همچنین، طبق گزارش شورای اتلانتیک، نقش «سازمان همکاری شانگهای» در آینده افغانستان بسیار اهمیت دارد، براساس نظر تحلیل‌گران روزنامه «ساوت چاینا مورنینگ پست»<sup>۱</sup> هنگ‌کنگ، سازمان همکاری شانگهای برای جلوگیری از تهدیدات افغانستان برای کشورهای عضو نقش فعال‌تری در آینده افغانستان بازی می‌کند، شاید این سازمان در قالب «مأموریت برای صلح» به مسائل افغانستان ورود کند (Zhang, 2021, p. 4).

---

<sup>1</sup>- South China Morning Post

بنابراین، همکاری همه‌جانبه چین-پاکستان در امور طالبان و افغانستان، همکاری دوجانبه چین و ایران و همکاری همه‌جانبه چین و روسیه، زمینه را برای همکاری مثلثی (چین، روسیه، ایران) و همکاری چهارجانبه (چین، روسیه، ایران، پاکستان) فراهم می‌کند که می‌تواند معماری منطقه‌ای آینده را مشخص کند. چین به دنبال تنظیم سازوکارهای امنیتی و اقتصادی برای همکاری با بازیگران مختلف جهت معماری امنیتی خواهد بود، شرایط و منافع امنیتی و اقتصادی ایجاد چنین سازوکار امنیتی را تأیید می‌کند. گفتگویی امنیتی در این باب بین چین-پاکستان-افغانستان از سال ۲۰۱۷ آغاز گردید. همچنین گفتگو و مذاکرات بین چین-پاکستان-طالبان در ده دهه اخیر برقرار بوده و هم‌اکنون نیز افزایش یافته است. براساس تئوری مجموعه امنیتی منطقه‌ای، چین با توجه به توسعه مؤلفه‌های مورد بحث با طالبان در موقعیتی قرار می‌گیرد که می‌تواند الگوی امنیتی را در مجموعه امنیتی منطقه‌ای تعریف، سازمان‌دهی و یا از نو بسازد. رابطه با طالبان و پیوند در قالب دالان‌های اقتصادی به چین کمک می‌کند تا هند نتواند بدون توجه به جایگاه چین به مسئله امنیت با این کشورها فکر کند.

### نتیجه‌گیری

روند مذاکرات چین با طالبان از سال ۱۹۹۶ تاکنون حکایت از آن دارد که زمینه‌سازی برای تقویت روابط فراهم است و این مسئله به‌عنوان یک پیشران نشان می‌دهد که دامنه روابط طرفین در آینده در مذاکرات و گفتگوی امنیتی گسترش پیدا خواهد و منجر به همکاری عمیق و شناسایی طالبان در گذر زمان از سوی چین خواهد شد. پکن با پیوند اقتصادی نوعی بازدارندگی در برابر تهدیدات امنیتی که آینده روابط طالبان با گروه‌های ضد چینی همانند جنبش اسلامی ترکستان شرقی و «کنگره جهانی اویغور»<sup>۱</sup>، داعش خراسان، تی‌تی‌پی و... می‌تواند داشته باشد، ایجاد کند. پکن با مداخله سازنده در رابطه با طالبان به دنبال این است تا نگرانی خود را در ابعاد امنیتی و اقتصادی برطرف کند و سیاست درهم تنیدگی امنیتی و اقتصادی را برای رفع تهدیدات و گسترش و تعمیق همکاری با طالبان در پیش می‌گیرد. در واقع پکن با زمینه‌سازی همکاری اقتصادی به‌صورت آهسته پبوندها را با طالبان برقرار کرده و با گسترش آن به سطح همکاری سیاسی و امنیتی زمینه تعمیق همکاری در بخش سیاست و امنیت را فراهم کند تا ضمن رفع تهدیدات امنیتی در اکنون و

<sup>۱</sup>- World Uyghur Congress



آینده، پایه‌های نظم امنیتی با مشارکت چین در منطقه آسیای جنوبی را مهیا گرداند. بنابراین درهای ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک با حضور طالبان در افغانستان برای پکن باز شده و از طریق ابعاد ژئواکونومیک در صدد نفوذ و گسترش دامنه همکاری در افغانستان است. همچنین از طریق بعد سیاسی و امنیتی در صدد است تا ضمن رفع تهدیدات امنیتی از کشور افغانستان، تضمین محافظت از پروژه‌های اقتصادی را بدست آورد. منافع ملی چین و طالبان تحت پروژه «یک کمربند و یک راه» و مسائل امنیتی با هم همزیستی دارد. به‌عنوان مثال چین از طریق توسعه اقتصادی و «یک کمربند و یک راه» تلاش می‌کند تا موقعیت راهبردی خود را در افغانستان عصر طالبان بدست آورد. همکاری با طالبان هم موقعیت جغرافیای حیاتی یک کمربند و یک راه را بهبود می‌بخشد و هم مسائل امنیتی در مرز دو طرف و منطقه‌ی سین‌کیانگ را برطرف می‌کند.

نظریه مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای به‌عنوان یک چارچوب مفید برای تجزیه و تحلیل توسعه همکاری چین با طالبان و تأثیر توسعه سرمایه‌گذاری، «یک کمربند و یک راه» و مسائل امنیتی حضور پکن بر پویای مجموعه امنیتی آسیای جنوبی عمل می‌کند. پکن در رابطه با طالبان «الگوی دوستی» را در مجموعه امنیتی آسیای جنوبی دنبال می‌کند که از وابستگی متقابل امنیتی و پیوند اقتصادی نشئت می‌گیرد.

پیشنهاد؛ اگر ایران نتواند از هم‌اکنون رگه‌های حضور اقتصادی چین در افغانستان را شناسایی کند، در آینده حوزه نفوذ اقتصادی آن با حضور چین تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به‌عنوان نمونه ایران در حوزه استخراج معادن افغانستان دارای مزیت نسبی است و در صورت سرمایه‌گذاری چین و حمایت طالبان از پروژه‌های آن، حضور ایران در آینده بلندمدت تهدید خواهد شد و سرمایه‌گذاری مشترک چین و طالبان در آینده باعث کنار گذاشتن ایران از حوزه معادن افغانستان می‌گردد.

همچنین در صورتی که رابطه چین و طالبان در قالب توسعه «ابتکار یک کمربند و یک راه» و «دالان اقتصادی چین-پاکستان» افغانستان و آسیای مرکزی عملیاتی شود، سرمایه‌گذاری و سرعت اتصال چین-پاکستان-افغانستان به آسیای مرکزی بالا خواهد رفت و این می‌تواند نقش مسیره‌های ترانزیتی و ریلی ایران را به منطقه کاهش دهد و حتی در مواردی عقیم کند. مثلاً مسیره‌های حمل‌ونقل سریع در محورهای ذکر شده، فرصت‌های ترانزیتی-گمرکی-دریایی را در حوزه‌های مختلف از ج.ا.ایران می‌گیرد و مزیت‌های ورود بندر چابهار به آسیای مرکزی را کاهش می‌دهد.

در بعد امنیتی؛ معماری جدید نظم و امنیت در افغانستان از مسیر گفتگو و مذاکرات بین چین-روسیه-پاکستان-طالبان تعیین می‌گردد، ایران باید طرح و برنامه‌های آن‌ها را رصد کند و حضور دیپلماتیک و فعال داشته باشد.



## منابع

- بهبودی نژاد، قدرت‌الله (۱۴۰۰). منطقه‌گرایی و همکاری منطقه‌ای در آسیای مرکزی. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۳ (۱)، ۴۳-۷۶.
- گوهری مقدم، ابوذر و انصاری بارده، رضا (۱۴۰۰). تقابل آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه و بررسی نقش ایران. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۳ (۲)، ۲۳۱-۲۰۹.
- وٹوقی، سعید، فلاحی، احسان و حیدری، قربانعلی (۱۳۹۳). تبیین جایگاه افغانستان به‌عنوان کانون چند زیرسیستم منطقه‌ای با تأکید بر منطقه آسیای جنوبی و نقش هندوستان. *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۰ (۸۷)، ۱۷۷-۱۴۹.
- یاری، احسان و عابدی، مرضیه (۱۴۰۰). گره استراتژیک چین در شبکه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران؛ امکان‌سنجی فرصت‌ها و چالش‌ها. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۳ (۱)، ۷۷-۱۱۲.
- Buzan, Barry, Waever, Ole & De Wilde, Jaap. (1998). *Security: A new framework for analysis*. Lynne Rienner Publishers.
- Buzan, Barry, Waever, Ole. (2003). *Regions and powers: the structure of international security* (Vol. 91). Cambridge University Press.
- Buzan, Barry. (2008). *People, states & fear: an agenda for international security studies in the post-cold war era*. Ecpr Press.
- Gupta, Yogesh. (2021, July 13). *Regrouping of Tehreek-e-Taliban worries China, Pak, The tribun*, <https://www.tribuneindia.com/news/comment/regrouping-of-tehreek-e-taliban-worries-china-pak-282181>.
- Attanayake, Chulanee & Zheng, Haiqi. (2021). *Understanding china in Taliban-led Afghanistan*, *Journal of Indo-Pacific Affairs*, 1-5.
- Jun, Xie & Daye, Chu. (2021). *Extention of CPEC into Afghanistan to boost local export, journey of peace : analysts*. Global Tims <https://www.globaltimes.cn/page/202107/1228518.shtml>.
- Kannan, Saikiran. (2021). *aliban's growing proximity with China is an opportunity ISKP trying to leverage*. Inain today, <https://www.indiatoday.in/news-analysis/story/taliban-china-relation-afghanistan-india-pakistan-threat-to-uyghur-muslims-1875479-2021-11-11>.
- Maçães, Bruno. (2021). *Belt and road: A Chinese world order*. Oxford University Press.
- Senanayake, Dilan & Prasad, Harsha (2020). Understanding the Dragon's Entry to South Asia: Revisiting the Regional Security Complex Theory. *Torun International Studies*, 1(13), 73-91.

- Mehrdad, Ezzatullah. (202, February 17). *Did China Build a Spy Network in Kabul?*, The diplomat, <https://thediplomat.com/2021/02/did-china-build-a-spy-network-in-kabul/>.
- Shih, Gerry. (2019, February 18). *In Central Asia's forbidding highlands, a quiet newcomer: Chinese troops*. Center for a New American Security, <https://www.cnas.org/press/in-the-news/in-central-asias-forbidding-highlands-a-quiet-newcomer-chinese-troops>.
- Felbab-Brown, Vanda. (2020, June, 12). *A BRI(dge) too far: The unfulfilled promise and limitations of China's involvement in Afghanistan*. Brookings, <https://www.brookings.edu/research/a-bridge-too-far-the-unfulfilled-promise-and-limitations-of-chinas-involvement-in-afghanistan/>.
- Kaura, Vainy. (2020, August 7). *What does China's growing engagement in Afghanistan mean for the US?*, Institute for Middle East Studies, <https://www.mei.edu/publications/what-does-chinas-growing-engagement-afghanistan-mean-us>.
- The Economic Times. (2020, October 14). *Seduced by China's Belt and Road Initiative, Taliban also forsake Uyghurs*. <https://m.economictimes.com/news/defence/seduced-by-chinas-belt-and-road-initiative-taliban-also-forsake-uyghurs/articleshow/78658096.cms>.
- Elapta, Deshika. (2021, February 26) . *does the belt and road initiative have a chance in Afghanistan?*, EIAS, <https://eias.org/op-ed/does-the-belt-and-road-initiative-have-a-chance-in-afghanistan/>.
- Future directions international, .(2021, April, 10). *China in a Post-US Afghanistan*, <https://www.futuredirections.org.au/publication/china-in-a-post-us-afghanistan/>.
- Ghosh, Booby. (2021, April 15). *Biden's Afghanistan Withdrawal Is a Blow for China*,
- Yi, Wang. (2021, June 8 ). *Wang Yi Hosts "China+Central Asia" Foreign Ministers' Meeting*, [www.fmprc.gov.cn](http://www.fmprc.gov.cn), <https://www.mfa.gov.cn/ce/cohk//eng/Topics/gj/z/t1875496.htm>.
- Sakhi, Nilofar. (2021, June 18). *How Russia, China, and Iran will shape Afghanistan's future*, Atlantic council, <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/how-russia-china-and-iran-will-shape-afghanistans-future/>.
- Avdaliani, Emil. (2021, June 21). *China's New Security Concept for Afghanistan*. The begin-sadat center for studies, <https://besacenter.org/wp-content/uploads/2021/06/2076-China-Afghanistan-Security-Concept-Avdaliani-final.pdf>.
- Zhang, Rachel.(2021, june 27). *Could the Shanghai Cooperation Organisation help stabilise Afghanistan after US pull-out?*, South China morning post, <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/article/3138868/could-shanghai-cooperation-organisation-help-stabilise>.

- Kaura, Vainy. (2021, July 6). *The Pakistan factor in china's Afghanistan policy: emerging regional faultlines amid us withdrawal*<https://www.mei.edu/publications/pakistan-factor-chinas-afghanistan-policy-emerging-regional-faultlines-amid-us>.
- Sun.Yun.(2021, August 10). *A reluctant embrace : china's new relationship with Taliban*, [www.stimson.org](http://www.stimson.org), <https://www.stimson.org/2021/a-reluctant-embrace-chinas-new-relationship-with-the-taliban/>.
- Hass, Ryan. (2021, August 18). *How will China seek to profit from the Taliban's takeover in Afghanistan*, Brookings institution, <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2021/08/18/how-will-china-seek-to-profit-from-the-talibans-takeover-in-afghanistan/>.
- Ian,Johnson. (2021, August 24). *How Will China Deal With the Taliban?*, Council foreign relations, <https://www.cfr.org/in-brief/china-afghanistan-deal-with-taliban>.
- Mohseni Cheraghlou, Amin & Graham, Niels , (2021, August 24). *Could China become the Taliban's new benefactor?*, Atlantic council, <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/could-china-become-the-talibans-new-benefactor/>.
- Grossman, Derek. (2021, August 27). *Chinese recognition of the Taliban is all but inevitable.* RAND, <https://www.rand.org/blog/2021/08/chinese-recognition-of-the-taliban-is-all-but-inevitable.html>.
- Calabrese, John. (2021, September 21). *China's Taliban Conundrum*, Middle East Institute, <https://www.mei.edu/publications/chinas-taliban-conundrum>.
- Reuters . (2021, September 21) . *Taliban say no al Qaeda or ISIS in Afghanistan. Taliban say no al Qaeda or ISIS in Afghanistan*, <https://www.reuters.com/world/asia-pacific/taliban-say-no-al-qaeda-or-isis-afghanistan-2021-09-21/>.
- Fazl-e-Haider, Syed . (2021, October 8) . *Opportunities and challenges for chiana's plan in Afghanistan*.The Jamestown Foundation, <https://jamestown.org/program/opportunities-and-challenges-for-chinas-plans-in-afghanistan/>.
- Standish,Rabert. (2021, October 14). *From a secret base in tajikestan , china's war on terror adjusts to a new realty.* <https://gandhara.rferl.org/a/tajikistan-china-war-on-terror-afghan/31509370.html>.
- Bloomberg .(2021, October 26). *China Vows to Help Taliban 'Rebuild' Afghanistan in Doha Meeting*, Bloomberg <https://www.bloomberg.com/news/articles/2021-10-26/china-vows-to-help-taliban-rebuild-the-country-in-doha-meeting>.
- Weitz, Richard. (2021, November 1). *Will China save the Afghan economy?*, Middle East Institute, <https://www.mei.edu/publications/will-china-save-afghan-economy>.

Webber, Lucas. (2021, Nov 4). *perspectives Islamic state using china to vilify Taliban*. Eurasianet, <https://eurasianet.org/perspectives-islamic-state-using-china-to-vilify-taliban>.

